واکنش ایران به توافق آمریکا و طالبان

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای درباره توافق آمریکا و طالبان تاکید کرد اقدامات آمریکا را تلاشی برای مشروعیت بخشیدن به حضور نیروهایش در افغانستان می‌داند و با آنها مخالف است؛ زیرا آمریکا جایگاه حقوقی برای امضای قرارداد صلح یا تعیین تکلیف در مورد آینده افغانستان ندارد.

وزارت خارجه ایران در این بیانیه بر این نکته تاکید دارد که صلح پایدار در افغانستان از طریق گفت و گوی بین الافغانی صورت خواهد گرفت و حضور نیروهای خارجی در افغانستان غیرقانونی بوده و از دلایل اصلی جنگ و ناامنی در آن کشور محسوب می‌شود.

در این بیانیه آمده است: سازمان ملل متحد از ظرفیت‌های مناسبی برای تسهیل مذاکرات بین الافغانی و نیز نظارت و تضمین اجرای توافقات حاصله برخوردار است. وزارت خارجه کشورمان همچنین برای هرگونه کمکی در راستای استقرار صلح، ثبات و امنیت در افغانستان اعلام آمادگی کرده است.

یادداشت

خروج آمریکا به معنی باخت به ایران است

جواد منصوری

کارشناس مسائل بین‌الملل

اشغال افغانستان توسط آمریکا یك اتفاق تاریخی بود که هزینه بسیاری برای دولت آمریکا به همراه داشت. آمریکا به واسطه این اشغال در باتلاقی گرفتار شد که موجب ایجاد هزینه‌های بسیار و از دست دادن امکاناتش شد. از قبل نیز پیش‌بینی‌هایی در زمینه خروج آمریکا از افغانستان شده بود که اتفاقات اخیر، باعث تحقق این پیش‌بینی‌ها شد و این کشور بدون به دست آوردن کوچك‌ترین دستاوردی مجبور به خروج از افغانستان شد. در عین حال آمریکا تلاش می‌کند به نوعی خروج خود را موجه و قابل قبول نشان دهد. اما در دنیا هیچ کشوری این را نمی‌پذیرد که آمریکا افغانستان را اشغال کرده و حالا با همان طالبانی که قصد حذفش را داشت قرارداد و توافق بسته است. این یکی از شکست‌های بزرگ تاریخ سیاسی آمریکاست. در ضمن این توافق از لحاظ حقوقی نیز ارزشی ندارد زیرا دولت فعلی افغانستان دولت قانونی است و حال این که آمریکا با یك گروه معارض قرارداد بسته است. این هم از اتفاقات عجیبی است که در عرصه بین‌المللی مورد تمسخر دیگران قرار می‌گیرد. در حقیقت این توافق به این معنی است که شما به ما حمله نکنید و در مقابل ما قوای خود را از این منطقه خارج می‌کنیم. در ضمن قطعا اتفاقات شکل گرفته را می‌توان مقدمه‌ای برای خروج آمریکا از نقاط دیگر منطقه نیز دانست. از سوی دیگر باید به این نکته هم توجه داشت که قطعا تنها پشتیبان مردم افغانستان در چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران بوده و ملت افغانستان تنها به انقلاب ایران امیدوار بوده‌اند در واقع خروج آمریکا از افغانستان به معنی باخت این کشور به ایران است.

حضور آمریکا در منطقه بسیار هزینه‌بر است

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل بین‌الملل

طبعا حرکت ضدآمریکایی مردم ایران و موفقیت‌های ملت ما بر بسیاری از ملت‌های منطقه از جمله افغانستان تاثیرگذار بوده است. در ابتدای پیروزی انقلاب به واسطه اخراج آمریکا از کشورمان، به استقلال واقعی دست یافتیم. در عین حال مردم افغانستان نیز متوجه شدند تا وقتی این کشور در اشغال آمریکا باشد نمی‌تواند ادعای استقلال کند و تمامیت ارضی این کشور مخدوش است. موضع جمهوری اسلامی ایران از ابتدا این بوده که هیچ‌گاه آمریکا برای افغانستان امنیت ایجاد نکرده است. لذا مردم آن کشور به دنبال ایجاد امنیت هستند. سردار سلیمانی نیز با انجام عملیات‌های مختلف در منطقه توانست در ایران و بخش‌هایی از منطقه امنیت ایجاد کند. همین موضوعات موجب شد مردم افغانستان نیز متوجه شوند در سایه حضور آمریکا نمی‌توانند امنیتی داشته باشند؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم جمهوری اسلامی ایران الگویی برای افغانستان شده و مردم این کشور نیز نمی‌خواهند مانند عربستان گاو شیرده باشند. نکته دیگر این است که یکی از دلایل خروج آمریکا از افغانستان این است که حضورشان در منطقه هزینه‌بر شده است. این در حالی است که در مقطعی حضورشان در منطقه منافعی برای این کشور به همراه داشت. اما در حال حاضر هزینه‌بر بودن حضورشان آنها را ناگزیر به خروج از این بن‌بست کرده است.

نامه نمایندگان به سران قوا برای برگزاری علنی دادگاه محتکران

جمعی از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای خطاب به سران قوا، ضمن تأکید بر لزوم اندیشیدن تمامی تمهیدات لازم برای ریشه‌کن کردن کامل کرونا، از دستگاه قضایی و دولت خواستند به صورت جدی با محتکران و گرانفروشان لوازم بهداشتی و مواد خوراکی برخورد کنند. احد آزادیخواه نماینده ملایر درباره این نامه گفت: در این نامه خواستار این شده‌ایم که قوه قضاییه هر چه سریع‌تر دادگاه محتکران و گرانفروشان را به صورت علنی برگزار و اسامی آنها را برای مردم افشا کند. / فارس

آمریکا و طالبان روز شنبه در دوحه توافق امضا کردند

خروج آمریکا از افغانستان می‌تواند مقدمه خروج ایالات متحده از منطقه باشد

فرار توافقی

گروه سیاسی

روز شنبه بعد از ۱۸ ماه مذاکره بر سر رسیدن به توافق میان آمریکا و گروه طالبان، سرانجام متن قراردادی میان دو طرف به امضا رسید و بالاخره دونالد ترامپ توانست در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، سوژه دیگری برای گرفتن عکس یادگاری فراهم و آن‌طور که اعلام کرده قرار است به‌زودی با رهبران طالبان دیدار کند. توافق صلح میان آمریکا و طالبان میان ملا عبدالغنی، برادر معاون سیاسی گروه طالبان و زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان در دوحه قطر با ابهامات فراوان به امضا رسید. اگرچه با توجه به سابقه آمریکا در سایر توافقات خارجی، درباره سرانجام این توافق هم نمی‌توان اظهار نظری کرد اما تلاش آمریکا برای توافق با گروهی که زمانی برای نابودی‌اش تلاش می‌کرد پیام‌های مهمی در خود دارد که قابل بررسی است.

> گرچه با توجه به سابقه آمریکا در سایر توافقات خارجی، درباره سرانجام این توافق هم نمی‌توان اظهار نظری کرد اما تلاش آمریکا برای توافق با گروهی که زمانی برای نابودی‌اش تلاش می‌کرد پیام‌های مهمی در خود دارد

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، تهران و واشنگتن در منطقه غرب آسیا دچار تضاد منافع شدند و در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و این مساله به یك کشور خاص نیز محدود نمی‌شود، زیرا ناشی از تفاوت دیدگاه دو کشور است. آمریکا همواره به دنبال حفظ تسلط خود در منطقه است، اما جمهوری اسلامی ایران معتقد است نیازی به حضور کشورهای خارجی در منطقه نیست و همه امور باید توسط کشورهای منطقه انجام شود و رویدادهای داخلی کشورها نیز باید میان مردم همان کشور حل و فصل شود.

بر همین اساس از سال ۲۰۰۱ که آمریکا به بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر به افغانستان حمله کرد، موضوع این کشور نیز به موارد اختلافی ایران و آمریکا افزوده شد.

سرگردانی آمریکا از سال ۲۰۰۱

از زمان حمله آمریکا به افغانستان، ایالات متحده با اعزام نیرو به این کشور زمینه سقوط طالبان را فراهم آورد، اما با این وصف، نتوانست در پروژه خود برای از بین بردن این گروه شبه‌نظامی موفق شود و نیروهای آمریکا با دادن تلفات بسیار در این کشور در نهایت پیگیر مذاکره و گفت‌وگو با جریان طالبان شدند.

آمریکا از سال ۲۰۰۱ درگیر طولانی‌ترین عملیات نظامی در طول تاریخ خود بوده و نتوانسته با حملات گسترده بمب‌افکن‌ها و پهپادهایش گروه طالبان را به زانو درآورد. هزینه‌ها و تلفات آمریکا در افغانستان آن‌قدر زیاد است که همواره مقامات آمریکایی از وعده کاهش نیروهای این کشور در افغانستان به عنوان برگ برنده استفاده می‌کنند، اما دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با وجود این‌که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری وعده کاهش نیروهای خود در خاورمیانه را داده بود پس از این‌که روی کار آمد با توجه به تلفات بالای نظامیان آمریکا در افغانستان، تعداد نیروهای نظامی در این کشور را افزایش داد. نکته دیگر این‌که به‌رغم حجم بالای حملات آمریکایی‌ها، براساس گزارش نهادهای معتبر امنیتی آمریکا، گروه طالبان نسبت به ۲۰ سال گذشته قدرتمندتر شده است. اکنون و در شرایطی که دونالد ترامپ در آستانه شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ است گمان می‌کند که رسیدن به یك توافق کلی با طالبان، بیش از حضور نظامی در افغانستان برای او آورده تبلیغاتی دارد و می‌تواند بار دیگر وانمود کند که در کارزار دیپلماتیك دیگری به پیروزی دست یافته است. این جلوه‌های تبلیغاتی البته از نظر کارشناسان سیاسی و رسانه و البته عموم مردم چندان معنایی ندارد و تنها مزیت آن برای ترامپ و آمریکا بیرون کشیدن نیروهای نظامی از منجلاب سرخوردگی‌های سیاسی در افغانستان است.

تلاش ایران برای ثبات در افغانستان

در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران چه در زمان حمله نیروهای شوروی سابق به افغانستان و چه پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۱، همواره با حضور نیروهای خارجی مخالفت و از مردم افغانستان حمایت کرده است. در زمان حمله اتحاد جماهیر شوروی که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت جمهوری اسلامی ایران حمایت خود را از افغانستانی‌ها اعلام و با اشغالگر خواندن شوروی، بر تمامیت ارضی این کشور تاکید کرد. در طول دوران مبارزه نیروهای جهادی افغانستان با نیروهای نظامی شوروی، گروه‌های مختلف افغانی در ایران حضور و امکان فعالیت داشتند و از حمایت‌های معنوی ایران برخوردار بودند.

در این میان تلاش‌های نیروی قدس سپاه پاسداران برای حل مشکلات کشور افغانستان و جلوگیری از سرایت این مشکلات به ایران قابل چشم‌پوشی نیست و از همان زمان، پیوندهای عمیقی میان ایران و افغانستان ایجاد کرد که ثمره آن را این روزها با شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه و از جمله افغانستان بیشتر می‌شود مشاهده کرد. سپاه قدس به فرماندهی شهید حاج قاسم سلیمانی در روزگاری که افغانستان بعد از خروج نیروهای شوروی گرفتار نیروی طالبان بود و در آتش جنگ‌های داخلی می‌سوخت، مراقبت‌های فراوانی برای جلوگیری از تعدی‌های طالبان نسبت به مرزهای ایران انجام می‌داد و تلاش‌های ویژه‌ای برای مقابله با ترانزیت مواد مخدر از خاك افغانستان صورت می‌داد. این تجربه میدانی و شناختی که از منطقه برای سپاه قدس حاصل شد زمینه خوبی برای تدارك تدابیر مناسب در مقابل نیروهای خشونت‌طلب در سایر نقاط منطقه از جمله عراق و سوریه فراهم کرد. آگاهی و اشراف شهید سلیمانی نسبت به تحولات افغانستان باعث برقراری رابطه خوبی میان او و نیروهای مجاهدین افغانستانی شد. عکسی که از او با احمد شاه مسعود وجود دارد حاکی از این ارتباط است. مك کریستال، فرمانده اسبق عملیات‌های ویژه پنتاگون در عراق و فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در افغانستان در مقاله‌ای در نشریه فارین پالیسی نوشت که قاسم سلیمانی همیشه اوضاع افغانستان را زیر نظر دارد. یکی از ثمرات این مراوده در میدان نبرد عراق و سوریه بروز و ظهور کرد و نیرویی تحت عنوان فاطمیون از سوی نیروی قدس متشکل از شیعیان افغانستانی و جنگجویان افغان مبارز در زمان حمله شوروی به افغانستان و دوران طالبان تشکیل شد.

به دلیل همین فعالیت‌ها بود که نهایتا آمریکا دست به ترور سردار سلیمانی زد تا شاید مانع از ادامه شکست‌های این کشور در منطقه شود، اما تحولات این روزها نشان‌دهنده تحقق گام به‌گام انتقام سخت جمهوری اسلامی ایران از آمریکاست. توافق اخیر میان آمریکا و طالبان را گرچه باید به دیده تردید نگریست، اما نشان‌دهنده در فشار بودن مقامات آمریکایی برای خروج نیروهای نظامی این کشور از افغانستان و کل منطقه است. تحولات سال‌های اخیر به گونه‌ای رقم خورده که آمریکا مجبور به ترك کشورهای منطقه است و گرچه آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند این موضوع را برای دستیابی به مسیری آبرومند، با تاخیر روبرو کنند، اما به نظر می‌رسد اصل آن را پذیرفته‌اند. توافق آمریکا و طالبان را نیز می‌توان از همین منظر نگریست و در کنار ابهاماتی که در مورد اجرایی شدن آن وجود دارد باید گفت امضای آن شکستی برای ترامپ و دستگاه دیپلماسی ایالات متحده است. حضور طولانی نظامی آمریکا در افغانستان همواره با نارضایتی مردم این دو کشور همراه بوده و بعد از این توافق صلح، دیگر هیچ علاقه‌ای نسبت به ادامه این حضور در بین مردم افغانستان وجود نخواهد داشت. راهبرد شکست خورده نظامی ترامپ در برابر طالبان در نهایت به یك توافق صلح مشروط به خروج نظامی آمریکا از افغانستان منتهی شد. آمریکا در کنار همه ناکامی‌هایی که در خصوص حضور نظامی خود در منطقه کسب کرده بود همیشه مترصد فرصتی بود که خود را از این منجلاب سیاسی برهاند، اما برای جلوگیری از سرشکستی‌های دیپلماتیك در پی راه فراری هم برای خود بود. امضای این توافق تنها سودی که برای آمریکا دارد شتاب بخشیدن به طرح خروج نظامی خود از منطقه است و اکنون می‌خواهند برای اجرایی کردن طرح خود به آن لباس توافق صلح بپوشانند. در کنار این مساله باید توجه داشت که سیاست خروج نیروهای آمریکایی از منطقه به‌خصوص افغانستان از جمله راهبردهای جمهوری اسلامی ایران بویژه فرمانده شهید و فقیدش سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی بوده و پیگیری این سیاست همچنان از سوی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که در قالب انتقام سخت در حال تحقق است.

ابهامات توافق

پیرمحمد ملازهی / کارشناس مسائل شبه قاره

در این که آمریکا نتوانست طالبان را به لحاظ نظامی شکست دهد شك و تردیدی وجود ندارد؛ چراکه نه طالبان قدرت شکست آمریکا را داشت و نه آمریکا این توان را. در حال حاضر هم بن‌بستی شکل گرفته که در نهایت طرفین به این نتیجه رسیدند که راه‌حل سیاسی جوابگو خواهد بود و نه راه‌حل نظامی. البته مشکل اینجاست که آیا توافقی را که آمریکا با طالبان داشته است می‌توان به کل این کشور گسترش داد. آیا می‌توان دولت مرکزی افغانستان و طالبان را یکجا در نظر گرفت. متاسفانه ابهاماتی در این زمینه وجود دارد؛ زیرا از یك طرف طالبان حاضر به مذاکره با دولت افغانستان نیست و از سوی دیگر درون دولت افغانستان نیز اختلافاتی وجود دارد. بنابراین دولت مرکزی متمرکزی برای مذاکره وجود ندارد و بن‌بستی که بین آمریکا و طالبان وجود دارد همانند بن‌بستی است که میان دولت مرکزی افغانستان و طالبان وجود دارد. در نهایت به نظر می‌رسد شاید آمریکا یك دولت موقت را در افغانستان روی کار آورد که اشرف غنی و عبدا... عبدا... هم به نوعی دست اندرکار امور باشند؛ البته نه به عنوان رئیس‌جمهور. در چنین فضایی باید ببینیم آیا آمریکا به طور کامل از افغانستان خارج خواهد شد یا خیر. قطعا این گونه نخواهد بود؛ زیرا یك سری مذاکرات پنهانی میان آمریکا و طالبان صورت گرفته است. به این معنی که در این بخش محرمانه، احتمالا کاهش نیروهای آمریکایی در افغانستان مد نظر است اما خروج کامل آمریکا در نظر گرفته نشده است.

نمایندگان مجلس افغانستان در گفت‌وگو با جام جم مطرح کردند

از توافق مبهم دوحه تا لزوم خروج نظامیان آمریکایی

انعقاد توافق صلح واشنگتن و طالبان در دوحه، مولد ابهامات و دغدغه‌های تازه‌ای در میان مردم افغانستان بوده است؛ مردمی که طی ۱۹ سال اخیر، طعم تلخ اشغالگری، کشتار و آوارگی را به سبب حضور نیروهای اشغالگر آمریکایی و متحدان ناتویی واشنگتن چشیده و اکنون تنها به صلح و ثبات در کشورشان و خروج نیروهای اشغالگر خارجی فکر می‌کنند. خبرنگار روزنامه جام جم در این خصوص پای صحبت عده‌ای از نمایندگان مجلس افغانستان (لویی جرگه) نشسته و نظر آنها را در خصوص توافق اخیر و چشم‌انداز خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان جویا شده است:

محمد داوود ناصری: آمریکا نمی‌تواند امنیت افغانستان را تامین کند

نماینده ولایت دایکندی در ولسی جرگه از به راه نجات افغانستان از بحران‌های موجود اشاره می‌کند: ما نمایندگان، نگران دموکراسی در کشورمان هستیم. هنوز متن جزئیات کامل توافق آمریکا و طالبان منتشر نشده است. پس ما حق داریم نسبت به سرنوشت کشورمان و امنیت افغانستان دغدغه داشته باشیم. باید نحوه خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان مشخص شود. راه نجات افغانستان، تقویت ساختارهای داخلی و حفظ انسجام در کشورمان است. تجربه نشان داده است بازیگران خارجی از جمله آمریکا، نمی‌توانند آینده و امنیت افغانستان را تامین و تضمین کنند.

حاجی غلام سرور فایز: امیدواریم خروج نیروهای آمریکایی محقق شود

نماینده ولایت بادغیس در مجلس افغانستان، امیدوار است اگر برنامه‌ها طبق روال پیش برود، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تحقق پیدا کند:

«هر توافقی در ذات خود خوب است و می‌تواند آغاز خوبی باشد. ما همه به دنبال صلح و پایان یافتن ناامنی و تحقق دیپلماسی در کشور هستیم. اما سؤال اصلی اینجاست که این صلح می‌خواهد تحت چه شرایطی محقق شود! ما به دنبال راهکاری هستیم که مداخله خارجی در افغانستان کاهش پیدا کرده و از بین برود. به نظر می‌رسد اگر همه چیز طبق روال پیش رود، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تحقق پیدا کند، هرچند که تدریجی باشد».

فریبا احمدی: نسبت به توافق واشنگتن ـ طالبان خوشبین نیستم

نماینده ولایت قندهار تاکید دارد که جایگاه مردم افغانستان و دغدغه‌های آنها در توافق واشنگتن ـ طالبان نادیده انگاشته شده است: هنوز نمی‌دانیم سرنوشت توافق صورت گرفته میان آمریکا و طالبان چه خواهد شد. آنچه مسلم است این‌که باید نقش و جایگاه مردم افغانستان و دغدغه‌های آنها در هرگونه توافقی که به کشورمان و امنیت آن مربوط می‌شود، محاسبه و در نظر گرفته شود. مردم افغانستان نمی‌خواهند به گذشته برگردند. آنها نمی‌خواهند شاهد بحران‌های امنیتی در کشورمان باشند. نگاه خوشبینانه‌ای نسبت به توافق آمریکا و طالبان ندارم.

سیدمحمدحسن شریفی: آمریکا در مخمصه گرفتار شده است

نماینده ولایت سرپل در ولسی جرگه به ما می‌گوید: «همان‌گونه که می‌دانیم، اخیرا توافق‌نامه‌ای بین واشنگتن و طالبان در دوحه امضا شده که برخی ابعاد آن مبهم و نامشخص است. بنابراین، هنوز نمی‌توان دورنما و آینده‌ای را برای این توافق و چگونگی اجرایی شدن آن متصور شد. صاحب‌نظران در افغانستان نیز معتقدند شرایط همچنان مبهم است. مروری بر نوع رفتار آمریکا و طالبان پس از انعقاد توافق اخیر نیز نشان می‌دهد هریك از دو طرف، خود را پیروز ماجرا می‌دانند! حضور ۱۹ ساله ایالات متحده آمریکا در افغانستان، طولانی‌ترین زمانی است که یك کشور خارجی در افغانستان حضور دارد. با این حال، واشنگتن در جریان این حضور طولانی مدت در کشورمان، به اهداف خود دست نیافته است. از این رو واشنگتن تحت فشار بوده و به دنبال راهکاری برای خروج از مخمصه است».

حمیده اکبری: باید منتظر آینده بمانیم

نماینده ولایت وردك، تاکید دارد اظهار نظر و اعلام موضع در خصوص توافق طالبان و واشنگتن و نقش آن در آینده افغانستان هنوز زود است: باید در انتظار آینده بمانیم. در حال حاضر معاهده‌ای میان آمریکا و طالبان به امضا رسیده است. با این حال هنوز ما نمی‌دانیم طرفین تا چه اندازه‌ای نسبت به تعهدات خود صادق هستند. باید ببینیم در آینده، واقعا پروسه تبادل زندانیان طرفین به راحتی صورت می‌گیرد؟ همچنین باید منتظر بمانیم تا مشخص شود آیا حملات طالبان در افغانستان متوقف می‌شود؟ مسوولان افغان، نمایندگان و مردم جملگی هم‌اکنون در مرحله رصد اوضاع قرار دارند. شرایط افغانستان هنوز مبهم است.